

نوشدگی و نحوه برخورد با افراط‌ها در باب وحدت از نظرگاه امام خمینی

(ارائه مقاله در بخش دانشجویی کنگره)

باقر گرگین^۱

چکیده

در این پژوهش برآنیم تا دو مقوله نوشدگی و نحوه برخورد با افراط و تفریط در دیدگاه امام خمینی را بررسی کنیم. اما از آنجا که هر یک از این موضوعات گستره وسیعی را در برمی‌گیرد و اصولاً برخورد با افراط یا تفریط در هر موضعی روشی خاص را می‌طلبد و بنابراین بدون تخصصی‌تر شدن بحث نتیجه لازم به دست نخواهد آمد، تصمیم گرفتیم این بحث را قدری جزئی‌تر کرده، آن دو موضوع را در اندیشه‌های امام خمینی در باب وحدت امت اسلامی مورد تحلیل قرار دهیم. در واقع ما در این نوشتار تلاش می‌کنیم آراء نو و تازه امام در باب مسئله وحدت که مسئله‌ای مبتلابه در مناسبات جهان اسلام امروز ما است را تبیین کنیم و همچنین در ادامه برخورد امام در برابر مواضع افراطی که در مواجهه با این مقوله در جامعه شکل گرفت را شرح دهیم. ما در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای مبتنی بر گردآوری آراء و اندیشه‌ها و تحلیل آن مطالب و استخراج مستلزمات آن‌ها، استفاده کرده‌ایم. در پایان نیز به این نتیجه دست یافته‌ایم که روش امام در نوشدگی و دگراندیشی در زمینه وحدت و همچنین نوع برخورد با افراط‌هایی که در مورد این مقوله رخ می‌دهد می‌تواند به یک الگو در بین علمای مسلمان عالم اسلامی تبدیل گردد.

کلید واژه: امام خمینی، نواندیشی، افراط و تفریط، وحدت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت معلم تهران؛ B_gorgin65@yahoo.com

مقدمه

مسئله طرح مسائل نو و تازه با توجه به مقتضیات زمان امری ضروری و در عین حال حساس است که صاحب‌نظران باید با دقت و نکته‌سنجی تمام در آغاز ضرورت آن را تشخیص داده و سپس با در نظر گرفتن همه جوانب امر به روشی مناسب اقدام به طرح آن مسئله نو بنمایند و البته در همیشه تاریخ هرگاه اندیشه‌ای خاص و متفاوت از آراء گذشته مطرح شده مخالفت‌هایی را در پی داشته است. و اصولاً تا به امروز هیچ سخن تازه‌ای را سراغ نداریم که در ابتدای طرح، مورد پذیرش جدی واقع شده باشد. حال گاهی این مخالفت‌ها به شکلی افراطی صورت پذیرفته است و گاهی به صورتی معقول نمود پیدا کرده است.

آنچه در این مرحله مهم و تعیین‌کننده می‌نماید آن است که آن صاحب اندیشه چگونه با مخالفان خود برخورد کند که بتواند نظر خود را در جایگاهی که باید، قرار دهد. تا سخنش تأثیری را که شایسته است، از خود به جای بگذارد. مسئله وحدت امت اسلامی از جمله مسائل ضروری پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بود که می‌بایست رهبران انقلاب موضعشان را در باب آن به شکلی درخور مشخص می‌کردند. امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی مردم ایران، از همان آغاز به این مهم پی برده بود و بدین روی بلافاصله پس از انقلاب این موضوع را در بوته شرح و تبیین قرار داد و در این راستا سخنان و اندیشه‌های جدیدی را مطرح ساخت که در پی این کار لازم می‌نمود که امام در مقابل افراط‌هایی که در این زمینه از قبل در جامعه شیعی مطرح بود و همچنین مواضع افراطی مخالفان نظری این اندیشه که پس از طرح مسئله نمود می‌یافت، برخوردی مناسب انجام می‌داد که بتواند تأثیری در خور از طرح اندیشه‌اش در جامعه به جای بگذارد.

در این پژوهش در پی آنیم که این نظر نو را تشریح کنیم و برخورد امام با افراط و تفریط‌هایی را که در ارتباط با آن اندیشه تازه، برخی از پیش در جامعه وجود داشت و پاره‌ای پس از مطرح شدن به وجود آمد تقریر کنیم.

۱- نظرات نوین امام در زمینه وحدت

۱-۱ منابع معرفت‌شناسی وحدت

امام خمینی مبانی معرفت‌شناختی این مقوله را تبیین می‌کند و سخن را به روی خاستگاه این مسئله می‌برد و بیان می‌کند که خاستگاه این اندیشه، قرآن و سنت رسول الله و اهل بیت است. امام قائل به این بود که وحدت به حکم شرع و عقل و شرایط و مقتضیات ویژه زمانی، واجب است و نظریاتش را در این باب تبیین می‌کند. بر اساس این نظریات بود که تئوری عملی وحدت مسلمین را ارائه نمود. برخلاف کسانی که فقط در مقوله نظر به این قضیه می‌پرداختند، امام (ره) از بُعد عملی نیز برای این جریان تئوری و نظریه ارائه کرد که در ادامه سخن بدان خواهیم پرداخت. در این قسمت به تبیین ضرورت وحدت از جهت شرع و عقل و مقتضیات خاص زمانی خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱ وحدت به اقتضای حکم شرع

امام خمینی (ره) به عنوان یک منبع معرفت‌شناختی ریشه‌مبانی وحدت امت اسلامی را قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت پاک او می‌دانست. از دقت در آثار و اندیشه‌های امام مشخص می‌شود که این وحدت و همگرایی به هیچ وجه همه فلیفه‌اش وضعیت سیاسی جهان اسلام نیست؛ بلکه ما مسلمانان حقیقتاً با یکدیگر برادریم و برابر و فرقی بین شیعه و سنی نیست. امام همواره تأکید می‌فرمودند شیعه و سنی اصلاً مطرح نیست. ما با مسلمین اهل سنت یکی هستیم (صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۳۳)، و لذا امام با توجه و استعانت به این اتفاقات و مشترکات مسلمانان، لازم می‌دانستند که در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز با یکدیگر وحدت داشته باشیم. بنابراین اصل وحدت و برادری و برابری، دینی است و از این اصل است که فروع سیاسی و اجتماعی، متفرع می‌شود. نظریه و افکار وحدت‌گرایانه امام که در ابواب آتی به شرح آن‌ها خواهیم پرداخت، با بررسی‌های عمیق فقهی، فلسفی، عرفانی و سیاسی حاصل‌گشته‌اند و پشتوانه این اندیشه‌ها اصل دین است نه صرفاً پاره‌ای مسائل سیاسی که مقتضای آن وحدت مسلمین باشد.

با این مسیر، اصل دین که همان توحید است، محور وحدت و عامل عزت مسلمانان می‌گردد؛ همچنانی که صراحتاً در چهل حدیث به این مطلب پرداخته شده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۱-۳۰۹؛ همان، ص ۳۱۲)، و وسیله پیشرفت و نائل آمدن به مدینه فاضله را در همین توحید کلمه و توحید عقیده می‌داند. سپس در ادامه با استناد به نص «انما المومنون اخوه» اشاره می‌کند که مسلمین به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت با هم مأمورند. و روشن است آنچه موجب ازدیاد این معنا شود، محبوب است، و آنچه این عقد مواصلت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالفت مقاصد بزرگ اوست. پر واضح است اگر این تفرقه که امام از آن با تعبیر کبیره موقبه یاد می‌کند در بین گروهی گسترش یابد، موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و باعث ریشه کردن فساد در جمعیت می‌شود. این امر خود موجب به وجود آمدن درخت نفاق و دورویی در آن اجتماع می‌شود. بالطبع این درخت در جامعه رشد یافته، وحدت و اتحاد جامعه را گسسته کرده، پایه دیانت را سست می‌کند و از این جهت بر فساد و قبح آن افزوده می‌شود (همان، ص ۳۱۲). این بیان روشن می‌دارد که وجوب وحدت و نزدیکی مسلمین به یکدیگر، اصالتاً فرسنگ‌ها با مصلحت‌سنجی‌های سیاسی فاصله دارد. و البته این توحید اصلاً منافاتی با اختلاف‌نظر و تنوع اندیشه ندارد. امام به نوعی وحدت در عین کثرت معتقد بودند و این وحدت، ریسمانی است برای پرهیز از دشمنی و دو دستگی خصمانه، اما دو دستگی و اختلاف به خودی خود، به توحید ضربه وارد نمی‌کند؛ کما این‌که در بین پیروان یک مذهب خاص نیز این اختلافات و دو دستگی‌ها موجود است، اما نباید به دشمنی و خصومت منجر شود. ما با یکدیگر اختلاف داریم در عین این‌که واحد هستیم، مذاهب اسلامی در عین این‌که امت واحده اسلامی هستند می‌توانند به حیات علمی و اجتماعی خود ادامه دهند. این نوع اختلافی که با وجود یافتنش نفی محبت و دوستی نشود، منشأ خیر فراوان خواهد بود و لذا آن اختلافی که موجب دشمنی است، مذموم و ناپسند است نه اختلاف در عین وحدت و دوستی و محبت.

وظیفه مسلمانان در این وضعیت این است که از تفرقه و اختلافات بپرهیزند و به جهات اشتراک دست یازند و بر این اساس است که امام قاطعانه با تفرقه‌افکنی‌ها مقابله می‌کند و می‌فرماید:

«هان ای مسلمانان قدرتمند! به خود آید و خود را بشناسید و به عالم بشناسانید و اختلافات فرقه‌ای و منطقه‌ای را که به دست قدرت‌های جهان‌خوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید و تفرقه‌افکنان از قبیل آخوندهای جیره‌خوار و ملی‌گرایان بی‌خبر از اسلام و مصالح مسلمانان را از خود برانید که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهان‌خواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می‌دهند و راه را برای غارتگران باز می‌کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۳۶)

امام در اکثر سخنانش مخاطبین را به این نکته توجه می‌داد که وحدت و برادری مسلمانان و مؤمنین یک دستوری است که در قرآن آمده و ما باید به این خاطر به آن گردن نهیم. ایشان برای استدلال بر این سخن به آیات مختلف قرآن استناد می‌کردند و آن آیات را دلیل و جوب وحدت مسلمانان می‌دانستند. امام بر این باور بودند که اگر مسلمانان هیچ جهتی را جز عقد اخوت و برادری که خداوند در بین آنها برقرار کرده است ملاحظه نکنند، انسجام پیدا می‌کنند. ایشان همچنین منشأ این برادری و برابری را دستورات قرآن کریم عنوان می‌کردند و معتقد بودند اگر همه مسلمانان در سراسر کشورهای اسلامی به همین یک دستور وحی گردن نهند، آسیب‌پذیر نخواهند بود (همان، ج ۱۱، ص ۵۲۹).

امام(ره) از این جهت به این جریان مقدس اعتقاد داشتند که طبق تصریح خود ایشان، این یک مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم سفارش کرده است و پیغمبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، سفارش فرموده است و ائمه مسلمانان سفارش فرموده‌اند. (همان، ج ۱۴، ص ۳۱)

همچنین ایشان در دیداری که با وزیر خارجه کشور سوریه در بیست و پنجم مرداد ماه سال پنجاه و هشت شمسی داشتند، اندیشه‌های خود در زمینه وحدت مسلمانان را بیان داشتند. در بخشی از این بیانات، امام(ره) مبنای برابری و برادری مسلمانان را دستور اسلام و قرآن می‌داند و بر این اعتقادند که چون مسلمانان به قرآن باور دارند بر آنها واجب است که جهت برقراری این برادری، از اختلافات جزئی دست بردارند و با این کار موجبات بهره‌برداری دشمنان را از بین ببرند. ایشان همچنین تأکید می‌فرمایند که بر مسلمانان تمام عالم است که تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع شوند (همان، ج ۹، ص ۲۷۳).

آنچه در این سخنان امام(ره) قابل تأمل است، این است که ایشان پس از بیان نظراتشان منبع این اندیشه‌ها را نیز ذکر می‌کنند. وی در پایان در استدلال به سخن خود می‌فرماید آنچه ما بیان داشتیم دستور قرآن است که می‌فرماید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹) (همان، ج ۹، ص ۳۸۵).

بدین رو این سخن که اصل نظریه وحدت و اتحاد مسلمانان مبتنی بر اصول دین و برگرفته از مضامین قرآنی و اسلامی است نافی بُعد سیاست و عقلانیت سیاسی داشتن این جریان نیست و البته اگر سیاسی هم گفته می‌شود نباید به معنای منفی کلمه باشد؛ بلکه همان نظریات و ایدئولوژی‌های سیاسی امام نیز اولاً برگرفته از کتاب آسمانی و مبتنی بر اسلام است و ثانیاً در مراتب پایین‌تر وابستگی به اندیشه‌های وحدت قرار دارد؛

یعنی، اولاً و به ذات اندیشه و نظریه وحدت (از دیدگاه امام) ضروری اصل دین است و ثانیاً و بالعرض برگرفته از وجوب عقلانیت سیاسی وحدت است. در ادامه به این بُعد اخیر می‌پردازیم.

۱-۱-۲ وحدت به حکم عقل

امام خمینی(ره) علاوه بر قرآن و سنت منبع معرفتی دیگری نیز برای آراء خود قائل است و آن جز عقل نیست. از جهت عقلانی امام(ره) معتقد بود با وضعیتی که جهان اسلام دارد و از دشمن مشترک برخوردار است، قطعاً لازم است که مسلمین با یکدیگر علیه دشمنان مشترک خود متحد شوند. امام به طور پیوسته وضعیت جهان اسلام را در نظر می‌آورد و تشریح می‌کرد و پس از این تشریح، مسلمین و دولت‌های اسلامی را دعوت به تفکر می‌کرد و تذکر می‌داد که این وضعیت سامان نمی‌یابد مگر در سایه وحدت و رفع اختلاف‌های موجود در «دولت‌های اسلامی که باید با هم هم‌صدا باشند، هم‌فکر باشند، همه از یک دیانت، صاحب یک کتاب، و همه هم می‌بینند که با اختلافاتی که بینشان هست دیگران نتیجه می‌گیرند، درد را می‌دانند لکن دنبال دوا نمی‌روند، بلکه هر روز اختلافاتشان بیشتر می‌شود و جدایی از هم بیشتر پیدا می‌کنند و دولت‌های بزرگ هم حرفشان همین است که ماها از هم جدا باشیم و بلکه با هم دشمن باشیم و اشتغال پیدا کنیم به حال هم و آنها استفاده کنند. باید مسلمین فکر اساسی برای خودشان بکنند و دولت‌های اسلامی فکر اساسی بکنند. فکر این نباشند که چند روزی که هستند مرفه باشند و دارای سلطه بر کشور خودشان، و این درد تفرق را خودشان [دولتمردان و حکام] دوا کنند. والا هیچ علاجی دیگر نیست در کار و هیچ مجلس و هیچ کنفرانس و هیچ اجتماعی نخواهد داشت.» (همان، ج ۹، ص ۴۱)

و اما در این اوضاع که کشور اسلامی ایران و دیگر دول اسلامی حساس‌ترین برهه تاریخی خود را سپری می‌کنند و از هر سو مورد دسیسه واقع می‌شوند، ضرورت وحدت بیش از پیش احساس می‌شود. امام خمینی(ره) در جایگاه‌های مختلف علما و مردم را توجه به وضعیت خاص ایران و اسلام می‌داد (همان، ج ۱۵، ص ۶۸؛ همان، ص ۲۵۸؛ همان، ج ۱۸، ص ۴۲۴).

ایشان با توجه به وضعیت موجود خواستار جدایی از تفرقه می‌شدند و به روی آوردن به اتحاد تأکید فراوان می‌کردند. برای روشن نمودن میزان اهمیتی که امام برای این مسئله قائل بودند بخشی از بیانات ایشان را در ادامه یادآور می‌شویم؛

«آنهایی که اسلام را نمی‌توانند ببینند و آنهایی که از اسلام سیلی خورده‌اند در کمین‌اند. اگر شماها در داخل به اسم تشیع و تسنن بخواهید خدای نخواستہ اختلاف ایجاد کنید، تکلیف برای ما پیدا خواهد شد و آنهایی که مفسده‌جو هستند و می‌خواهند با مفسده‌جویی بین برادرها اختلاف بیندازند، آنها را ما می‌شناسیم و ممکن است خدای نخواستہ معرفی کنیم به برادران اهل سنت و به برادران اهل تشیع و به همه ملت ... ما به آنها هشدار می‌دهیم که توجه به اسلام بکنند، توجه به مصالح مسلمین بکنند، توجه به توطئه‌های خارجی بکنند، و... دامن زدن به اختلاف امروز یک معصیت نابخشودنی است» (همان، ج ۱۴، ص ۲۹۰).

از این‌جا به روشنی می‌توان منافع عقلانی وحدت و مشکلات تفرقه را دریافت. امام (ره) با توجه دادن به توطئه‌های خارجی و مصالح مسلمین، چه بسا در صدد بیان این نکته‌اند که اگر شخصی به ضرورت شرعی وحدت قائل نیست، ضرورت عقلی این مهم را نمی‌تواند نادیده بگیرد. و بدین جهت است که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در کنار منبع معرفتی قرآن، عقل را نیز ذکر می‌کند که هیچ انسان اهل عقلی از آن نتواند جدایی بگزیند، و این خود حکایت از دقت نظر امام دارد.

۲-۱- وحدت عملی در اندیشه امام (ره)

با وجود نقاط مشترک فراوان در کشورهای اسلامی، نظریه منسجمی که هم بتواند چارچوبی نظری برای وحدت دنیای اسلام تبیین کند و هم از توان اجرایی و امکان عملی برخوردار باشد کمتر وجود داشته است و لیکن دیدگاه‌های وحدت‌گرای امام واجد این نقطه قوت است؛ چرا که امکان عملی شدن یافته‌اند. در آراء وحدت‌گرای امام، همگرایی سیاسی - به عنوان پروسه‌ای بلند مدت - مطرح است که در آن، همگرایی هم در ساختارها و نهادهای دولت مورد توجه می‌باشد و هم همگرایی اجتماعی - به عنوان پروسه‌ای میان مدت - که بیشتر مورد توجه نظریه‌پردازان ارتباطات است. در این نظریه توسعه مبادلات و ارتباطات اجتماعی در یک منطقه به ایجاد و تقویت احساس‌های مشترک و منافع متقابل کمک نموده و روند همگرایی را در سطح سیاسی سرعت خواهد بخشید. (هاشمی، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

همان‌گونه که گفتیم امام در بحث وحدت، نظریه‌پردازی عملگراست. ایشان به اتحاد جهان اسلام پایبندی عملی داشتند و این عملگرایی را در سطوح مختلفی دنبال می‌کردند.

۱-۲-۱- سطح دولت‌های اسلامی

در سطح دولت‌های اسلامی، اگرچه ممکن است امام بعضی از دولت‌ها را، دولت‌های مشروعی ندانند اما تمامیت ارضی کشورها را به رسمیت شناخته و سعی داشتند به بیداری دولت‌ها کمک کنند. ایشان برای هر سطح تحلیلی معیارها و مبناهای مشخصی را در نظر داشتند و بر این باور بودند که جمهوری اسلامی ایران بر اساس برنامه‌های اسلامی در راستای وحدت کلمه مسلمین، اتحاد ممالک اسلامی و برادری همه گروه‌های مسلمان در سراسر عالم گام بر می‌دارد. هدف این اتحاد نیز هم پیمانی کشورهای اسلامی در برابر صهیونیست، اسرائیل و دیگر دول استعمارطلب است. (علیخانی، ۱۳۸۴، ص ۵۷۲)

در برنامه امام مهمترین هدف، انسجام جوامع اسلامی و ایجاد تغییر در نظام جهانی است که با برنامه‌های استعماری به وجود آمده و به نفع «کشورهای شمال» است. در این نظام «سهم کشورهای جنوب» از برخورداری‌های جهانی بسیار اندک است. در سطح وحدت میان دولت‌ها، با به رسمیت شناختن حق حاکمیت دیگر کشورها و موضع‌گیری صلح‌آمیز و رابطه دوستانه با آنان درصدد بودند که به ایجاد همگرایی سیاسی نایل آیند.

امام عوامل چندی را برای همسویی دولت‌ها و سران کشورهای اسلامی حائز اهمیت می‌دانستند و خواستار تحقق آن‌ها بودند. (هاشمی، ۱۳۸۲) این عوامل عبارت‌اند از:

۱-۲-۱ بازگشت به اسلام نخستین

۲-۱-۲ عدم وابستگی به قدرت‌های بیگانه و حفظ استقلال

۳-۱-۲ وحدت کشورهای اسلامی در برابر قدرت‌های استعماری

۴-۱-۲ همگامی دولت‌ها و ملت‌ها

۵-۱-۲ تشکیل فدراسیونی از دولت‌های اسلامی.

بازگشت به اسلام نخستین و زدودن خرافه‌ها و پیرایه‌ها و سازوبرگ‌هایی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است، مسئله‌ای بود که در طول یک‌صدوپنجاه سال گذشته نهضت‌های اصلاح‌طلبانه برای آن اهمیت و ارج فراوانی قائل بوده‌اند کما این‌که سیدجمال الدین اسدآبادی (افغانی) به عنوان اولین کسانی که به این بحث پرداخته، بازگشت به قرآن و سنت و سیره سلف صالح را تنها چاره و درمان این درد می‌داند (صاحبی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۶). امام نیز به عنوان یکی از احیاگران بزرگ اسلامی بازگشت به اسلام نخستین را اولین گام و مهمترین هدف دولت‌ها و ملت‌ها برای دستیابی به وحدت و یکپارچگی جوامع اسلامی می‌داند:

«ما تا به اسلام برنگردیم... تا به اسلام رسول الله برنگردیم، مشکلاتمان سر جای خودش هست؛ نه می‌توانیم قضیه فلسطین را حلش کنیم و نه افغانستان را و نه سایر جاها را. ملت‌ها باید برگردند به صدر اسلام اگر حکومت‌ها هم با ملت‌ها برگشتند که اشکالی نیست و اگر برگشتند ملت‌ها باید حساب خودشان را از حکومت‌ها جدا کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۸۹).

شاخص‌های دیگری که می‌توانند به همگرایی دولت‌های اسلامی کمک کنند، استقلال آنان و عدم وابستگی به بیگانگان است. کشورهای مستقل خود می‌توانند آزادانه با توجه به صلاح خود و اسلام تصمیم‌گیری کنند و از هر نوع اعمال نظری از سوی بیگانگان رهایی یابند. چنانچه دولت‌ها مستقل باشند به یک نقطه مشترک دست پیدا می‌کنند و آن ایستادگی در برابر استعمارگران است.

شاخصه بعدی که از اهمیت فراوانی برخوردار است، همگامی و همراهی دولت‌ها با یکدیگر است. دولت‌هایی که مبتنی بر اراده و خواست مردمشان باشند، برای حفظ مصالح مردم و تقویت روح اسلام‌خواهی و حرکت به سمت امت اسلامی، رویکردی صلح‌جویانه و مسالمت‌خواهانه دارند و برای تقویت بنیان‌های اساسی تلاش می‌نمایند و با چشم‌پوشی از اختلافات جزئی به مشترکات اسلام تأسی می‌جویند. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«اگر حکومت‌کنندگان کشورهای اسلامی نماینده مردم با ایمان و مجری احکام اسلام می‌بودند، اختلافات جزئی را کنار می‌گذاشتند، دست از خرابکاری و تفرقه‌اندازی برمی‌داشتند، و متحد می‌شدند و ید واحده می‌بودند، در آن صورت مشتی یهودی بدبخت که عمال آمریکا و انگلیس و اجانب‌اند، نمی‌توانستند این کارها را بکنند، هر چند آمریکا و انگلیس پشتیبان آنها باشند. این از بی‌عرضگی کسانی است که بر مردم مسلمان حکومت می‌کنند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

امام با شمردن مشترکات مسلمانان هدف بسیار بزرگی داشتند، هدف نهایی ایشان همسویی کامل دولت‌های اسلامی و تشکیل فدراسیونی از این کشورها بود. ایشان بر آن بودند که زمینه‌های همسویی و

همگرایی کامل دولت‌های اسلامی را فراهم آورند و فدراسیونی از این کشورها تشکیل شود. وی در جای‌جای سخنانش، موضوع وحدت و برادری و یکپارچگی را به سران دول اسلامی تذکر می‌دادند و به کرات از آنها برای رسیدن به این مهم دعوت می‌نمودند (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۷۴-۳۷۶؛ همان، ص ۱۲۱-۱۲۰؛ همان، ص ۲۰۹؛ همان، ج ۳، ص ۱۰۵).

۱-۲-۲ سطح مستضعفین جهان در برابر دولت‌های استعماری

امام در این سطح پا را از وحدت مذهبی فراتر نهاد، همه مستضعفین از هر آیین و دین و مذهب را به تشکیل جبهه واحد فرا می‌خواند:

«من امیدوارم که یک حزب به اسم حزب مستضعفین در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند... تاکنون مستضعفین متفرق بودند و با تفرقه کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیع‌تری در تمام قشرهای انسان‌های تاریخ تحقق پیدا کند به اسم حزب مستضعفین که همان حزب‌الله است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین وارث ارض باید بشوند» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۸۰-۲۸۱).

ایشان در پیامی که به مناسبت تولد حضرت عیسی به مسیحیان ایران و جهان دادند نیز وحدت همه مستضعفان در مقابل مستکبران برای برقراری عدل الهی را محور سخنان خود قرار داده، بر این مسئله تأکید می‌کنند که برای اتحاد مستضعفین عالم هیچ محدودیت فرقه‌ای وجود ندارد (همان، ج ۱۱، صص ۳۷۵ الی ۳۷۹). امام همواره تأکید داشتند که باید با مستضعفین جهان - بدون توجه به مذهب و ایدئولوژی آنان - برای مبارزه با استعمار و قدرت‌های سلطه‌طلب، وحدت به وجود آورند. (همان، ج ۶، ص ۵۱۸)

۱-۳-۳ صدور فتاوا و احکام نو در رابطه با وحدت

امام خمینی (ره) در باب صدور فتاوی جدید در مورد مسائل اختلافی مذاهب مختلف اسلامی، دست به عملی زد که پیش از آن سابقه نداشت و احکامی را صادر کرد که مبتنی بر ضرورت همسویی مذاهب اسلامی بود و موجب نزدیکی مذاهب اسلامی گشت. به برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛

۱-۳-۱ از آنجا که مسئله حج و انجام این فریضه بزرگ الهی از مسائل مهم اسلامی و اجتماعات بزرگ سیاسی مذهبی جامعه مسلمانان می‌باشد، این حقیقت را به همگان گوشزد کنند که دشمنان اسلام با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان جوامع اسلامی دارند و به هر نام و هر وسیله می‌کوشند تا با درگیری میان مسلمانان زمینه را برای تسلط کامل و مجدد خود بر همه کشورهای اسلامی و چپاول و غارتگری خود مساعد سازند و به همین جهت لازم است از هرگونه عمل تفرقه‌انگیز خودداری کنند که این یک وظیفه شرعی و الهی است. (همان، ج ۱۴، ص ۴۱۰)

۱-۳-۲ مسئله مهمی که در ایام حج در عربستان سعودی از سوی شیعیان رواج یافته بود این بود که آنان هنگام شروع نماز جماعت از مسجدالنبی یا مسجدالحرام خارج می‌شدند و این مسئله باعث ایجاد نگاهی ناخوشایند به شیعیان شده بود. امام خمینی این عمل را ناپسند و خلاف وحدت صفوف مسلمین می‌دانستند. بنابراین برای جلوگیری از این اقدام فتوا دادند که خارج شدن از مسجدالحرام یا مسجد مدینه به هنگام شروع نماز جماعت جایز نیست و بر شیعیان واجب است که با آنان نماز جماعت بخوانند. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷)

۱-۳-۳ در راستای پرهیز از دو دستگی و اختلاف، امام چنان حساسیت به خرج می‌دادند که اعلام نمودند برای شرکت در جماعت اهل سنت چنانچه شخص برای تقیه مطابق آنها وضو بگیرد و دست بسته نماز بخواند و پیشانی بر فرش بگذارد نمازش صحیح است و اعاده ندارد. (همان)

۱-۳-۴ ایشان همچنین در همین زمینه می‌فرمودند: «لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانیه که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۶۲)

۱-۳-۵ از دیگر آرای فقهی امام که نشان از دید عمیق ایشان به آفات تفرقه دارد در باب اقامه نماز جماعات در هتل‌ها توسط شیعیان است؛ «در هتل و مسافرخانه نماز جماعت نخوانند و چنانچه خلاف تقیه باشد، صحت جماعت مشکل است.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶۹)

۱-۳-۶ از امام استفتاء شد که برای شرکت در نماز جماعت اهل سنت باید به وظایف نماز برای فردی عمل کرد یا احکام جماعت؟ امام فرمودند: وظیفه جماعت است و احکام جماعت را دارد. (همان)

۱-۳-۷ توجه امام به این مسئله تا آنجا بود که می‌فرمودند: «در مسجد حرام و مسجد رسول‌الله مهر گذاشتن و سجده کردن بر آن حرام است و نماز اشکال پیدا می‌کند.» (همان، ص ۲۶۵)

۱-۳-۸ گفتن «اشهد ان علیاً ولی الله» جزو اذان و اقامه نیست و در جایی که خلاف تقیه است گفتن آن حرام است و نباید بگوید. (همان)

۱-۳-۹ از امام استفتاء شد با توجه به این که اهل سنت دست بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند و آیا در حال اختیار شیعیان می‌توانند در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنند؟ امام در پاسخ فرمودند: در مورد تقیه شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۰)

۱-۳-۱۰ اگر اول ماه ذی‌حجه نزد علمای اهل سنت ثابت شد و حکم کردند به اول ماه، باید حجاج شیعه از آنها تبعیت کنند و روزی را که مسلمین به عرفات می‌روند آنها نیز بروند و حج آنها صحیح است. (همان، ص ۲۶۵)

۱-۳-۱۱ امام خمینی تأکید زیادی بر این نکته می‌نمودند که شیعیان نباید به گونه‌ای رفتار کنند که موجبات وهن مذهب را فراهم آورند. در این زمینه نیز احکامی صادر کردند که برخی را از نظر گذرانندیم. از آن جمله دیدگاه امام در باب نحوه به جا آوردن طواف است؛ «طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به جا می‌آورند، به جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می‌کنند احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید احتراز شود. در وقوفین، متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت لازم و مجزی است، اگر چه قطع به خلاف داشته باشید.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۶۲)

۴-۱ نگاه تازه امام به تقیه

به دنبال فرمان وحدت‌بخش امام خمینی (ره) بعضی از برادران اهل سنت اعلام داشته‌اند که این فرمان در ایجاد وحدت و برادری سودمند است اما چه فایده که از روی ترس و تقیه است. و برخی دیگر از برادران اهل سنت این نوع اعمال شیعیان را ناشی از نفاق و ترس می‌دانند. بر این اساس بر آن شدیم پیرامون تقیه و اقسام آن مطالبی عرضه نماییم. تقیه در اصطلاح، صلاح‌ورزی اسلامی است که در آن صلاح اجتماعی و فردی و مصالح کلی در نظر گرفته می‌شود، و سنتی از سنت‌های پیامبر خدا و ائمه می‌باشد. (هاشمی، محمدجواد، ۱۳۸۲، ص ۷۵)

امام خمینی در کتاب الرسائل، ابتدا اقسام تقیه را از جهات مختلف بیان نموده و آنگاه به تفصیل ادله هر کدام می‌پردازد و جالب است که این نکته را در نظر آوریم که امام خمینی در این باب نیز دست به نوآوری زدند و نوعی از تقیه به نام **تقیه مداراتی** را مطرح کردند که یا پیش از ایشان فقیهی به آن توجه نکرده بود یا اگر توجه کرده بود نتوانسته بود همانند امام در باب آن به بسط و ارائه ادله فقهی پردازد و ما اینک فرازهایی از این رساله را از نظر می‌گذرانیم.

انواع تقیه

۱-۴-۱ **تقیه خوفی**: این نوع تقیه به خاطر یکی از سه ضرر زیر واجب می‌شود و از روی ترس صورت می‌پذیرد. اگر آن ترس از بین برود، تقیه نیز جایز نمی‌باشد. (همان)

۱-۴-۱-۱ بیم از زیان جانی، آبرویی و مالی یا آنچه متعلق به اوست.

۱-۴-۱-۲ بیم از ضرر به برادران ایمانی

۱-۴-۱-۳ بیم از ضرر به حوزه اسلام و ترس از ایجاد اختلاف کلمه مسلمین

۱-۴-۲ **تقیه مداراتی**: که آنچه مطلوب است وحدت کلمه مسلمین با محبت و دوستی و مدارا با مخالفین بدون این‌که ترس و بیمی در کار باشد. (همان)

امام پس از این تقسیم‌بندی ادله موجود در روایات را ذکر می‌کند از جمله این روایات، حدیثی است که امام از هشام بن حکم و او از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «کونوا لمن انقطعتم الیه زینا، و لا تکونوا علینا شینا، صلوا فی عشائره‌م، و عودوا مرضاهم، و اشهدوا جنائزهم، و لا یسبقونکم الی شیء من الخیر؛ فأنتم اولی به منہم، و ما عبد الله بشیء احب الیه من الخباء. قلت و ما الخباء؟ قال التقیه» (امام خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۷).

در این حدیث امام صادق (ع) به حشام می‌فرماید باعث زینت کسی که به او منسوب می‌شوید باشید و موجب زشتی و ننگ ما نشوید. با جماعات آنها نماز بخوانید و از مریض‌های آنها عیادت کنید. بر سر جنازه‌های آنها حاضر شوید، مبادا در انجام اعمال خیر از شما سبقت بگیرند در حالی که شما به انجام دادن آن اعمال سزاوارترید. به خدا سوگند خداوند به چیزی که برای او دوست داشتی‌تر از خباء باشد عبادت نشده است. گفتم خباء چیست؟ گفت: تقیه. امام در ادامه می‌فرماید: آنچه از این روایات استفاده می‌شود این است که عملی که از روی تقیه انجام شود صحیح است خواه تقیه، در اثر اختلاف میان ما و آنها در حکم (فقهی و اجتهادی) باشد، مانند مسح به روی کفش و افطار به هنگام غروب، یا در ثبوت موضوع خارجی، مانند وقوف به عرفات در روز هشتم ذی‌حجه به خاطر ثبوت هلال ماه نزد آنان. (همان)

بنابراین همان‌طور که از فتاوی‌ای امام برمی‌آید، عمل به مذهب اهل سنت از روی ترس و نفاق و اضطراب نیست و به خاطر نزدیک شدن مسلمین به یکدیگر است. همان‌طور که امام حکم اقتداء به اهل سنت را حصر به مسجدالحرام و مسجدالنبی نکرده، حکم به جواز در دیگر اماکن را نیز می‌دهد. ایشان در جواب شخصی که از وی می‌پرسد با توجه به این که اهل سنت دست بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند آیا در حال اختیار شیعیان می‌توانند در نماز اهل سنت شرکت کنند؟ می‌فرماید: در مورد تقیه شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۰)

بدین‌رو تقیه‌ای که منظور نظر امام است، تقیه مداراتی است که برگرفته از سنت است و از روی ترس و نگرانی نیست؛ بلکه برای برقراری دوستی میان مسلمانان می‌باشد.

۱-۵ اعلام روز جهانی قدس به عنوان روز اسلام و هفته وحدت

از دیگر ابتکارات و نوآوری‌های امام در این زمینه، تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس بود که بین همه ملل مسلمان مشترک است و هیچ رنگ و بوی نژادی و ناسیونالیسی هم نداشته، مورد پذیرش هر انسان مسلمانی است. ایشان با این اقدام نقطه عطفی در اتحاد میان مسلمین جهان ایجاد کردند که هر روز و هر سال بر عظمت و ابهت این روز افزوده می‌شود. امام در این باره می‌فرماید:

«روز قدس، روز اسلام است. روز قدس، روزی است که اسلام را باید احیاء کرد و احیاء بکنیم و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود. روز قدس، روزی است که باید به همه ابرقدرت‌ها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما به واسطه عمال خبیث شما واقع نخواهد شد.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۷)

از دیگر تدابیری که جهت ایجاد وحدت بین شیعه و سنی اندیشیده شد، در نظر گرفتن هفته وحدت بود. البته پیشنهاد این عمل توسط آقای منتظری مطرح شد و در ادامه توسط امام مورد تأیید و استقبال قرار گرفت. امام در فلسفه چنین اقدامی بیان داشتند هنگامی که شیعه و سنی که با یکدیگر برادرند و هر دو مسلمان‌اند، در چنین اختلافات جزئی واقع می‌شوند نباید از هم فاصله بگیرند. باید با هم باشند. حتی در بین علمای شیعه نیز در باب تاریخ تولد رسول‌الله (ص) برخی قائل به روز دوازدهم ربیع الاول هستند. از طرفی در این هفته اولاً

همه مسلمین با هم در جشن‌هایی شرکت می‌کنند و فرصتی برای یکپارچگی و رفع کدورت‌ها فراهم می‌آید. (همان، ج ۱۵، ص ۴۵۵)

۲. چگونگی برخورد امام با افراط‌ها

در مقابل موضع امام که تأکید بر حفظ وحدت و پرهیز از وارد شدن در مسائل اختلافی و ایجاد تفرقه می‌کرد، عده‌ای وجود داشتند که به مسائل اختلافی دامن می‌زدند و موجبات ایجاد تفرقه و تشتت در امت را فراهم می‌کردند. برخورد امام در مورد این افراد کاملاً قاطع و عاری از هرگونه مسامحه بود چرا که این مسئله را مهمترین اولویت جهان اسلام می‌دانستند.

ایشان اعتقاد داشتند امروز که مسلمین تحت فشارهای فراوان قدرت‌های بزرگ هستند وقت مطرح کردن مسائلی نیست که حاصلی جز تفرق و پراکندی صفوف مسلمین ندارد. و بدین‌روی هیچ‌جا مسامحه و سهل‌انگاری وجود ندارد. در این قسمت به برخی مواضع قاطع امام در برخورد با اهل افراط اشاره می‌کنیم.

از خود راندن تفرقه‌افکنان

امام خمینی در برابر کسانی که راه افراط را در باب مسئله روابط بین شیعه و سنی می‌پیمودند به شدت موضع می‌گرفت و بر این باور بود که ضرری که این چنین افرادی برای اسلام به وجود خواهند آورد از ضرر جهان‌خواران کمتر نخواهد بود و مسلمانان را تکلیف به طرد چنین افرادی می‌کردند. در ادامه فرازهایی از سخنان امام در این زمینه را از نظرتان می‌گذرانیم:

«هان ای مسلمانان قدرتمند! به خود آید... تفرقه‌افکنان از قبیل آخوندهای جیره‌خوار و ملی‌گرایان بی‌خبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهان‌خواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می‌دهند و راه را برای غارتگران باز می‌کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۳۶)

همان‌گونه که از مواضع بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران روشن می‌شود در مقابل تفرقه‌افکنان باید با شدت تمام ایستاد و آنها را از جامعه مسلمین طرد کرد

برخورد امام با کسانی که دست به افراط می‌زدند و بین صفوف مسلمین تفرقه ایجاد می‌کردند تا بدان‌جا بود که عمل آنها را خیانت به اسلام و مسلمین دانسته، در مواجهه با آنها شدیدترین لحن را به کار می‌برد. به عنوان نمونه امام در سخنانی به همین مناسبت می‌فرماید:

«یکی جزوه می‌دهد لعن می‌کند یک کسی را، یکی جزوه می‌دهد تعریف می‌کند از کسی، هر دویس خلاف است. هر دویس امروز غلط است. دست بردارید از نادانی، شما را تحریک نکنند آنهایی که با اسلام دشمن‌اند. خیانت به اسلام نکنید، این تفرقه امروز خیانت به اسلام است با هر اسمی که باشد. امروز سر ولایت امیرالمؤمنین [ع] اختلاف کردن، خیانت به اسلام است.» (همان، ج ۸، ص ۴۸۱)

البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که هنگامی که امام می‌فرماید امروز سر ولایت امیرالمؤمنین هم نباید اختلاف کرد، به معنای کم اهمیت بودن ولایت امیرالمؤمنین نیست؛ به معنای این نیست که به هیچ‌وجه نباید به این قضیه پرداخت؛ بلکه به این معناست که به سبب این جریان ما نباید در چاه عمیق اختلاف و تفرقه

بیفتیم، اما می‌توان به شکلی درباره ولایت امیرالمومنین بحث و گفتگو کرد که موجب نزدیکی و وحدت مسلمین شود و اگر این‌گونه وارد بحث شویم نه تنها نکوهیده نیست بلکه امری مستحسن و نیکوست؛ همان‌گونه که بسیاری از علمای اسلام مانند علامه سیدعبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی به چنین اقدامی دست زده‌اند. بدین‌رو از دیدگاه امام اختلاف و تفرقه مذموم و نکوهیده است حتی اگر درباره مهمترین مسائل مذهب باشد.

نتیجه

اهمیت و ضرورت وحدت و انسجام اسلامی امری ضروری و غیر قابل انکار است و لازم است برای دستیابی به این چنین هدف مقدس و عظیمی به دو جنبه اساسی توجه شود: یکی مطرح نمودن راهکارها و افکار و ایده‌های نو و دیگری برخوردی قاطع و در عین حال سنجیده با افراطیون که بتواند این نهضت سترگ را به پیش برد.

در این میان افکار و راهکارهای عملی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بی‌مبالغه، شایستگی الگو واقع شدن را دارد. بر شیعیان واجب است بدون هرگونه تعصب مخرب مذهبی به سوی اندیشه‌ها و فتاوی وی در این زمینه رفته و به آنان جامه عمل ببوشانند.

بر علمای مسلمان نیز اعم از شیعه و سنی لازم است راه وی را استمرار بخشیده، به طرح راهکارها و فتاوی مناسب با نیازهای امروزی مسلمین جهان بپردازند. چرا که تا علما و پیشوایان امت ضرورت این مسئله را ندانسته و بدان اهتمام نوززند، این فرهنگ غنی و حیاتی هیچ‌گاه وارد جامعه نخواهد شد.

نقش زمامداران حکومت‌های کشورهای اسلامی نیز در این مسئله بسیار حائز اهمیت است. آنها نیز برای برقراری اتحاد بین امت اسلامی مسئولیت سنگین و نقش بسزایی دارند که می‌توانند با برقراری کنفرانس‌های هم‌اندیشی کارشناسی شده با ایجاد ضمانت اجرایی برای مصوبات آنها گامی بلند در راستای نیل به اهداف این نهضت الهی داشته باشند.

ما مسلمانان جهان امیدوارانه به افقی می‌نگریم که در آن این تلاش‌های دلسوزان و اندیشمندان نتیجه داده، وحدت و الفت بین امت اسلامی برقرار گردد و جامعه مسلمانان جهان تبدیل به امت واحده عصر رسول الله (ص) گردد.

منابع و مأخذ

- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، جلد ۱، عبادت و خودسازی، ۱۳۷۷، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اندیشه تقریب، سال دوم، زمستان ۱۳۸۴، شماره پنجم
- تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۷۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه، ۱۳۸۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، چهل حدیث، ۱۳۷۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، الرسائل العشره، ۱۴۲۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- در جستجوی راه از کلام امام (دفتر پنجم)، ۱۳۷۰، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- روحانی، سید حمید، ۱۳۸۱، نهضت امام خمینی، تهران، نشر عروج
- صاحبی، محمدجواد، ۱۳۷۶، اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، چاپ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم
- صحیفه امام، (۱۳۸۵)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- علیخانی، علی اکبر و همکاران، ۱۳۸۴، اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی (جلد اول)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی.
- هاشمی، محمدجواد، ۱۳۸۲، منادیان تقریب ۱، امام خمینی و همگرایی جهان اسلام، زاهدان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان.